
برآمدن پول
تاریخ مالی جهان

نیال فرگوسن

ترجمه‌ی شهلا طهماسبی



نشر پژواک

سرشناسه	فرگوسن، نیل، ۱۹۶۴ - م. Nial Ferguson
عنوان و نام پدیدآور	برآمدن پول: تاریخ مالی جهان / نیل فرگوسن: ترجمه‌ی شهلا طهماسبی
مشخصات نشر	تهران: پژواک، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	۴۸۷ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۲۹۹-۰۱-۳
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
یادداشت	عنوان اصلی: <i>The Ascent of Money: A Financial History of the World, 2009.</i>
موضوع	امور مالی - تاریخ
موضوع	تاریخ اقتصادی
موضوع	اقتصاد - تاریخ
موضوع	پول - تاریخ
موضوع	مالیه بین‌المللی - تاریخ
شناسه افزوده	طهماسبی، شهلا، ۱۳۳۱ - مترجم
رده‌بندی کنگره	HG ۱۷۷/۴.۳۰۰: ۱۹۰
رده‌بندی دیویی	۳۳۲/۰۹۰:
شماره کتابشناسی ملی	۴۸۷۱۲:

The Ascent of Money: A Financial History of the World
by Nial Ferguson, Penguin Books, 2009



نشر پژواک

برآمدن پول

تاریخ مالی جهان

نیل فرگوسن

مترجم: شهلا طهماسبی

طرح جلد: ابراهیم حقیقی

چاپ نخست: ۱۳۹۲

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۹۹-۰۱-۳

شمارگان ۱۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی: پارس‌بان - چاپ و صحافی: ابل

انتهای بزرگراه آفریقا - شماره‌ی ۲۴۴ - واحد ۶۰۶ تلفن ۲۶۲۱۳۱۲۷

فروش: ۶۶۴۶۲۲۸۲ - pejvakpub@hotmail.com

کلیه‌ی حقوق محفوظ است

بها: ۲۰۰۰۰ تومان

معرفی نویسنده

نیال فرگوسن یکی از مشهورترین تاریخ‌نگاران بریتانیا، استاد تاریخ در دانشگاه هاروارد، دستیار ارشد پژوهشی کالج جیزز^۱ دانشگاه آکسفورد و دستیار ارشد انستیتو هوپر دانشگاه استنفورد است. آثار او، کاغذ و آهن، امپراتوری، غول، و جنگ دنیا مورد استقبال قرار گرفته‌اند. او به‌طور منظم برای نشریات و مجله‌های سراسر دنیا نیز می‌نویسد و کتاب‌های امپراتوری، غول، با عنوان غول آمریکایی، و جنگ دنیا به صورت سریال تلویزیونی درآمدی که بسیار موفق بوده است. آخرین اثر او بازارهای مالی و رهیافت جنگ‌های جهانی نام دارد. نیال فرگوسن با خانواده‌ی خود در بریتانیا و ایالات متحد آمریکا زندگی می‌کند.

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار
۲۹	۱. رویاهای مال اندوزی
۳۱	کره پول
۴۵	نزول خوارها
۵۵	تولد بانک داری
۶۸	تکامل بانک داری
۷۵	ملت ورشکسته
۸۳	۲. انقیاد بشری
۸۸	کوه های بدهی
۹۸	بناپارت مالی
۱۱۳	سوق دادن ایالات جنوبی به نشیب
۱۲۰	مرگ بدون رنج رانت گیر
۱۳۹	تجدید حیات رانت گیر
۱۴۳	۳. حباب سازی
۱۵۱	شرکتی که شما حفظ می کنید
۱۷۲	اولین حباب
۱۹۴	ورزها و خرس ها
۲۰۱	داستان توزیع نامتقارن فراوانی
۲۱۳	۴. سود ریسک
۲۱۴	تشویش عظیم
۲۲۳	پوشش یافتن
۲۳۸	از جنگ نا تأمین اجتماعی
۲۵۱	تسکین عظیم
۲۶۳	حفاظت یافته و حفاظت نایافته

۲۷۳		۵. امن همچون خانه
۲۷۷		اشرافیت ملک‌داری
۲۸۵		دموکراسی صاحب‌خانه‌گی
۲۹۹		از پس‌اندازها و وام‌ها تا وام دست دوم
۳۲۲		امن همچون خانم خانه
۳۳۱		۶. از امپراتوری به چیمریکا
۳۳۶		جهانی‌شدن و نبرد سرنوشت‌ساز
۳۵۴		جنايت‌کاران اقتصادی
۳۸۱		سوء اداره‌ی سرمایه‌ی کوتاه‌مدت
۳۹۴		چیمریکا
۴۰۵		پی‌گفتار: فرود آمدن پول
۴۲۹		قدردانی
۴۳۱		یادداشت‌ها
۴۵۳		فهرست تصاویر
۴۵۷		نمایه

پیشگفتار

نا، نقدینه، مایه تیله، پول مول، غنیمت، مال و منال، جیفه‌ی دنیوی، چرک کف دست، آب حیات: اسمش را هرچه می‌خواهید بگذارید، پول اهمیت دارد. در نظر مسیحیان، دوست داشتنش منبع شر است. در نظر نظامیان، مایه‌ی جنگ است و در نظر انقلابیان، غل و زنجیر کارگر. راستی پول دقیقاً چیست؟ یک کوه نقره؟ آن‌طور که فاتحان اسپانیایی قاره‌ی آمریکا تصور می‌کردند؟ یا لوح‌های گلی و کاغذی که پول چاپی از آن حاصل شد؟ ما چگونه در جهانی که پول بیش از آنکه به چشم دیده شود نامرئی است، و کوچک‌تر از اعدادی است که روی صفحه‌ی کامپیوتر می‌توانیم ببینیم، زندگی می‌کنیم؟ پول از کجا آمده است و به کجا می‌رود؟

در سال ۲۰۰۷، درآمد یک آمریکایی متوسط (که زیر ۳۴۰۰۰ دلار بود)، حدود ۵ درصد زیاد شد^(۱) اما در همان سال، مخارج زندگی ۳/۵ درصد بالا رفت. بنابراین در عمل، وضع آقای متوسط ۱/۵ درصد بهتر شد. در ایالات متحد آمریکا از سال ۱۹۹۰، یعنی در طول هجده سال، درآمد یک خانواده‌ی معمولی با توجه به تورم اقتصادی، فقط ۷ درصد افزایش یافته

۱. شماره‌های داخل پرانتز در متن، نشانگر ارجاع نویسنده به منابع خود در پایان کتاب است.

در ترجمه و شرح مفاهیم و اصطلاحات مالی و اقتصادی، به‌طور عمده از، فرهنگ علوم اقتصادی، دکتر فرهنگ، منوچهر چ ششم، تهران، نشر نو، ۱۳۶۹؛ و فرهنگ توصیفی اصطلاحات پول، بانک‌داری و مالیه‌ی بین‌المللی، گلرین، حسن تهران، نشر فرهنگ معاصر، ۱۳۸۸ استفاده شده؛ و توضیحات دیگر از دایرة‌المعارف فارسی، زیر نظر غلامحسین مصاحب استخراج شده است. م

است.^(۲) حالا مقایسه کنید وضع آقای متوسط را با لوید بلاتکفین^۱، مدیرعامل بانک سرمایه‌گذاری گلدمن ساکس^۲. بلاتکفین در همان سال ۲۰۰۷، ۷۳/۷ میلیون دلار حقوق، پاداش و سود سهام گرفت که نسبت به سال قبل، ۲۵ درصد افزایش داشت و دوبرابر یک آدم معمولی پول درآورد. باز در همان سال، درآمد خالص گلدمن ساکس از تولید ناخالص داخلی^۳ بیش از صد کشور، از جمله کرواسی، صربستان و اسلونی^۴، بولیوی، اکوادور و گواتمالا^۵، آنگولا، سوریه و تونس^۶ فراتر رفت و به ۴۶ میلیارد دلار رسید. این اولین سال بود که دارایی‌های این بانک از مرز ۱ تریلیون دلار گذشت.^(۳) بقیه‌ی مدیران عامل و آل استریت هم، گرچه نه به این اندازه، پول خوبی درآوردند. به نوشتن‌ی نشریه‌ی فوربس^۷، ریچارد س. فولد^۸ در شرکت لیمان برادرز^۹ با ۷/۱۹ میلیون دلار، جیمز دیمون در ج پ مورگان چیس^{۱۰} با ۲۰/۷ میلیون دلار، و کنت د. لوئیس^{۱۱} در بانک آمریکا^{۱۲} با ۲۰/۱ میلیون دلار درآمد، از چارلر ا. پرنس^{۱۳} در سیتی‌گروپ^{۱۴} (۱۹/۹ میلیون دلار)، جان مک در مورگان استنلی^{۱۵} (۱۷/۶ میلیون دلار)، و جان تین^{۱۶} در مریل لینچ^{۱۷} (۱۵/۸ میلیون دلار) پیش بودند. با این حال، در سال ۲۰۰۷ لوید بلاتکفین در دنیای مالی پردرآمدترین نبود. در شرکت کانتری رابید شاینشیل^{۱۸} به آنگلور. موزیلو^{۱۹} ۱۰۲/۸ میلیون دلار داده بودند. اما این هم در مقابل اهمیت مبالغه‌هنگفتی که عده‌ای از مدیران بنگاه‌های تجارت ریسک^{۲۰}، درآوردند، چیزی

1. Lloyd Blankfein

2. Goldman Sachs

3. gross domestic product (GDP)

۵. دو کشور در آمریکای لاتین.

۴. سه کشور در اروپای شرقی. م

۶. دو کشور در خاورمیانه و آفریقا. م

7. Lehman Brothers

8. JP Morgan Chase

9. Lehman Brothers

10. JP Morgan Chase

11. Kenneth D. Lewis

12. Bank of America

13. Charles O. Prince

14. Citigroup

15. Morgan Stanley

16. John Thain 17. Merrill Lynch

18. Angelo R. Mozilo

19. Angelo R. Mozilo

20. hedge fund

نیست. جورج سوروس^۱، سفته‌باز کهنه کار، ۲/۹ میلیون دلار به جیب زد. کن گریفین^۲ مدیر سیتادل^۳، مثل بنیان‌گذاران دو بنگاه پیشگام دیگر، متجاوز از

۲ میلیارد دلار به خانه برد. جیمز ای. کین ۶۹۰,۷۵۷ دلار گرفت که در قیاس با ۲۹۰ میلیون دلاری که در طول نه سال گذشته گرفته بود، برایش یک افت شاید بود. در این بین در سراسر جهان، حدود یک میلیارد نفر ناچار بودند با روزی یک دلار سر کنند.^(۴)

همان‌طور که دیدیم، سال ۲۰۰۷ شاهد آغاز شدیدترین بحران مالی جهان پس از بحران بزرگ با رکود بزرگ^۴ بود. در مدت کمی بیش از یک سال، حوادثی رخ داد که آبروی کسانی را که مدعی بودند مهارت‌های استثنایی مدیران امور مالی به خصوص در زمینه‌ی مدیریت ریسک پرداخت دستمزدهای بیش از حد به آنان را احباب می‌کرد به کلی برد. زمانی که من این کتاب را برای چاپ جلد سوم^۵ حک و اصلاح می‌کردم، ج پ مورگان، شرکت براسترنز^۶ را از فروریزی نجات داده بود، بانک آمریکا، کانتری واید را به تملک درآورده بود، مریل لینچ به سرنوشت مشابهی دچار شده و شرکت لمان برادرز و ورشکست شده بود. یک سال بعد یعنی در ۲۰۰۸، سیتی گروپ ۱۸/۷ میلیارد دلاری را که از سال ۲۰۰۵ به دست آورده بود، از دست داد، در حالی که مبلغ از دست‌رفته‌ی مریل لینچ ۳۵/۸ میلیارد دلار بود که همه‌ی درآمدش از سال ۱۹۹۶ را تشکیل می‌داد. بانک‌های سرمایه‌گذاری گلدمن ساکس و مورگان استنلی به ناچار به بانک شرکت سرمایه‌گذاری^۶ تبدیل شدند، و مرگ الگوی کسب و کاری را که از دهه‌ی ۱۹۳۰ سابقه

1. George Soros 2. Ken Griffin 3. Citadel

۴. great depression، دوره‌ی بحران اقتصاد جهان در پی بحران وال استریت در ۲۹ اکتبر ۱۹۲۹ که به از بین رفتن میلیارد‌ها دلار ارزش سهام ایالات متحد، تعطیلی بانک‌های آن کشور که در کار معاملات سهام بودند و لغو سرمایه‌گذاری ایالات متحد در خارج انجامید. در اثر از بین رفتن اعتبار آمریکا، اقتصاد اروپا به ویژه آلمان دچار اختلال جدی شد و تجارت بین‌الملل به شدت کاهش یافت. م

5. Bear Stearns 6. bank holding company

داشت، اعلام کردند. بانک‌هایی که از مهلکه جان به در برده بودند با تزریق سرمایه توسط خزانه‌داری آمریکا از طریق استفاده از برنامه‌ی بازایی دارایی‌های در خطر^۱ به حیات ادامه دادند. با این حال و به رغم همکاری دولت، قیمت سهامشان همچنان پایین رفت و به توهم دولتی شدن دست‌کم چندتا از آنها دامن زد. برای مثال در سال ۲۰۰۹، ارزش سهام سیتی‌گروپ که در ژوئن ۲۰۰۷، ۵۵ دلار بود، به ۲/۵۹ دلار رسید.

آیا از اینکه جهان این قدر بی‌عدالت است خشمگین‌اید؟ از دست سرمایه‌داران کله‌گنده و بانک‌دارهایی که میلیارد میلیارد پول درمی‌آورند آتش گرفته‌اید؟ شکاف عمیق میان داراها - مثلاً کسانی که قایق تفریحی دارند - و ندارها، شمارا برآشفته است؟ شما تنها نیستید. در طول تاریخ تمدن غرب، همیشه میان مالیه و متخصصان امور مالی ضدیت وجود داشته است، ضدیتی که ناشی از این فکر است که کسانی که زندگی‌شان را از راه پول قرض دادن می‌گذرانند، «انگل» فعالیت‌های اقتصاد «واقعی» از راه کشاورزی و صنعت‌اند. این ضدیت سه علت دارد. علت اول این است که بدهکاران می‌خواسته‌اند بستانکارانشان زیاد باشند و دسته‌ی اخیر به ندرت نسبت به دسته‌ی اقدم نظر مساعد داشته‌اند. علت دوم، تکرار مدام بحران‌های مالی و فضااحت‌هایی است که باعث شده پول به جای عامل ایجاد دارایی، موجب نداری، و به جای ایجاد ثبات، نوسان را به نظر آید. علت سوم، این است که قرن‌های متمادی خدمات مالی را به نحوی افراطی و بی‌قاعده در سرتاسر جهان اقلیت‌های نژادی یا مذهبی عرضه کرده‌اند که از مالکیت زمین یا اشغال مناصب دولتی محروم، اما از امکانات پیچیده‌ی قوم و خویشی و پشت‌گرمی به آن برخوردار بوده‌اند و به همین سبب در انجام امور مالی توفیق یافته‌اند.

با وجود تعصب ریشه‌دار ما نسبت به «پول کشیف»، پول‌اُس و اساس

پیشرفت است. به تعبیر چیکوب برونووسکی^۱ (که در دوره‌ی محصولی برنامه‌های بی‌نظیر تلویزیونی‌اش درباره‌ی تاریخ پیشرفت علم را با اشتیاق تماشا می‌کردم)، برآمدن پول مایه‌ی برآمدن انسان بوده است. پول، به جز کاربردهایی که برایش قائل‌ایم، مثلاً: زالوهایی که مشتاق مکیدن خون خانواده‌های مقروض یا قمار با پس‌انداز بیوه‌زن‌ها و یتیمان‌اند، ابداع شده تا ضرورت ترقی بشر را از امرار معاش از راه‌های رقت‌انگیز به قله‌های سرگیجه‌آور کامیابی مادی که امروزه روز خیلی‌ها آن را یاد گرفته‌اند، محقق سازد. سیر تکاملی اعتبار و وام به اندازه‌ی ابداعات فناورانه‌ی دیگر، در خیزش تمدنی از بابل باستان تا هنگ‌کنگ امروزی اهمیت دارد. بنیان مادی شکوه و جلال ایتالیای دوره‌ی رنسانس را بانک‌ها و بازار اوراق قرضه فراهم آوردند. بنیاد حیاتی امپراتوری‌های هلند و بریتانیا شرکت‌های مالی بودند، همان‌طور که پیروزی ایالات متحد در قرن بیستم از پیشرفت‌هایش در صنعت بیمه، تأمین مالی از طریق گروگنداری یا رهن^۲ و اعتبارات مصرفی^۳ غیرقابل تفکیک بود. بنابراین بعید نیست که یک بحران مالی غروب سروری آمریکا بر جهان را اعلام کند.

در پس هر پدیده‌ی تاریخی بزرگ یک راز مالی پنهان است و این کتاب بر آن است که مهم‌ترین آنها را به تصویر کشد. برای مثال، رنسانس به این علت چنان رونقی در بازار هنر و معماری پدید آورد که بانک‌داران ایتالیایی نظیر مدیچی^۴، با به کار گرفتن قواعد مربوط به ریاضیات مشرق‌زمین در امور مربوط به پول، صاحب مکنت شدند. جمهوری هلند به این علت بر امپراتوری هابسبورگ تفوق یافت که برای آن، از نظر مالی، برخورداری از بورس اوراق بهادار مدرن به داشتن بزرگ‌ترین معدن نقره‌ی جهان ارجحیت داشت. مسائل نظام استبدادی در فرانسه بدون بروز انقلاب رفع‌نشدنی بود،

1. Jacob Bronowski

2. mortgage finance

3. consumer credits

۴. Meddici، خاندانی که از بانک‌داری بین‌المللی ثروت هنگفت به دست آورد و از قرن پانزدهم تا نیمه‌ی قرن هجدهم، سرنوشت فلورانس را در دست داشت. م

چون یک جنایتکار محکوم اسکاتلندی نظام مالی آن را با ایجاد اولین ترقی و تنزل (حباب)^۱ در بورس اوراق بهادار زیر و زیر کرد. در شکست ناپلئون در جنگ واترلو، ناتان روچیلد^۲ به اندازه‌ی دوک ولینگتن نقش داشت. حماقت مالی، چرخه‌ی خود تخریبگر نکول‌ها و تنزل ارزش پول اقتصاد آرژانتین را، که در دهه‌ی ۱۸۶۰ ششمین کشور ثروتمند جهان بود، در دهه‌ی ۱۹۸۰ از شدت تورم به ورشکستگی کشاند.

با خواندن این کتاب به این تناقض پی می‌برید که کسانی که در امن‌ترین کشورهای جهان زندگی می‌کنند، بیش از بقیه‌ی جهانیان تحت پوشش بیمه قرار دارند. درمی‌یابید که انگلیسی‌زبان‌ها از کی و به چه علت دچار وسواس خرید و فروش خانه شدند، و چه بسا مهم‌تر از همه می‌بینید که جهانی‌کردن مالیه، در عین ایجاد عوارض دیگر، تمایز کهن میان بازارهای توسعه‌یافته و بازارهای نوظهور را از میان برده و چین را به بانکدار آمریکا بدل کرده است - سرزمین کمونیست بستانکار و سرزمین کاپیتالیست (سرمایه‌دار) بدهکار شده، تحولی که یک نقطه‌ی عطف به شمار می‌آید.

برآمدن پول در زمان‌هایی ظاهراً بهارنشدنی بوده است. در سال ۲۰۰۶، تولید اقتصادی سراسر جهان حدود ۴۸/۶ تریلیون دلار بود. ارزش جاری بورس‌های اوراق بهادار جهان با ۴ درصد انقباض، ۵۰/۶ تریلیون دلار، و ارزش کل اوراق قرضه‌ی داخلی و بین‌المللی با ۲۰٪ افزایش، ۶۷/۹ تریلیون دلار بود. سیاره‌ی مالی داشت سیاره‌ی زمین را از رشد بازمی‌داشت. چرخشش هم ظاهراً سرعت گرفته بود. در بازارهای ارزی، هر روز ۳/۱ تریلیون دلار، و در بورس‌های اوراق بهادار جهانی، هر ماه ۵/۸ تریلیون دلار دست به دست می‌گشت. در هر دقیقه از هر ساعت هر هفته، کسی در جایی در حال معامله بود و زندگی مالی بی‌وقفه شکل تازه‌ای پیدا می‌کرد. مثلاً در

1. bubble and bust

۲. Nathan [Mayer] Rothschild (۱۷۷۷-۱۸۳۶)، ملقب به اولین بارون روچیلد یا روچیلد، مؤسس شاخه‌ی انگلیسی خاندان یهودی روچیلد آلمانی که از صرافانی و بانک‌داری ثروت هنگفت به دست آورد. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به دایرة‌المعارف فارسی: روچیلد. م

سال ۲۰۰۶، حجم خرید اهرمی^۱ (خرید سهام شرکت‌ها با استفاده از وام) سر به ۷۵۳ میلیارد دلار زد. «افزایش سرسام‌آور و ناگهانی بازارهای مالی و اعتباری^۲»، که در نتیجه‌ی آن دیون فردی مثل رهن‌ها، «برش برش» و بعد یکپارچه و برای فروش بسته‌بندی مجدد می‌شوند، جمع کل اوراق بهادار با پشتوانه‌ی رهن^۳، اوراق بهادار با پشتوانه‌ی دارایی^۴، و تعهدات بدهی وثیقه‌ای^۵ را در عرض یک سال به ۳ تریلیون دلار رساند. حجم مشتقات^۶ - قراردادهای مشتق از اوراق بهادار موجود یا معاملات مثل معاوضه‌ی نرخ بهره^۷ یا معاوضه‌های اعتباری^۸ - به قدری سرعت گرفت که، در پایان سال ۲۰۰۶، ارزش مالی همه‌ی مشتقات «خارج از بورس»^۹ (به استثنای آنهایی که در صرافی‌های عمومی صورت گرفت) به بیشتر از ۴۰۰ تریلیون دلار رسید. تا پیش از دهه‌ی ۱۹۸۰، اینها سابقه نداشت. مؤسسات جدید هم به سرعت زیاد شدند. اولین بنگاه‌های تجارت ریسک در دهه‌ی ۱۹۴۰ برپا شد و تا همین اواخر، دهه‌ی ۱۹۹۰، ۶۱۰ مؤسسه‌ی مشابه آن به وجود آمده بود که ۳۸/۹ میلیارد دلار را اداره می‌کردند. در سال ۲۰۰۶، شمار بنگاه‌ها ۹۴۶۲ بود که ۱/۵ تریلیون دلار تحت مدیریتشان قرار داشت. شرکت‌های تضامنی دارایی خصوصی^{۱۰} نیز گسترش یافتند و تکثیر شدند. در این بین، بانک‌ها «مجرها»^{۱۱} و «ابزارهای سرمایه‌گذاری سازمان‌یافته»^{۱۲} (که بی‌تردید در تاریخ مالیه بدیل ندارد) فراوانی تشکیل دادند تا بتوانند دارایی‌های بالقوه ریسک‌دارشان را وارد ترازنامه‌شان نکنند. عیناً مثل این بود که یک شبکه‌ی

1. leveraged buyouts

2. securitization

3. mortgage backed securities

4. asset - backed securities

5. mortgage backed securities

6. asset - backed securities

7. interest rate swaps

8. credit default swaps (CDSs)

۹. [over-the-counter market]، یا بازار سهام غیررسمی، بازار دست‌دوم که کارگزاران در آن اوراق بهاداری را که در بورس به ثبت رسیده، خارج از بورس خرید و فروش می‌کنند. م

10. Private equity partnership

11. conduits

12. structured investment vehicles

بانکی خیالی (سایه‌ای)^۱ کامل به وجود آمده بود. اگر چهارهزاره‌ی اخیر تمدنی شاهد پیشرفت انسان اندیشه‌ورز بوده است، گویی حالا در حال سپری کردن دوره‌ی پیشرفت انسان بانک‌ورز بودیم.

در سال ۱۹۴۷، جمع کل ارزشی که بخش مالی به تولید ناخالص داخلی ایالات متحد افزود، $\frac{۲}{۳}$ درصد بود؛ در سال ۲۰۰۷، این رقم به $\frac{۸}{۱}$ درصد افزایش یافته است. به عبارت دیگر، در مجموع ۱ دلار از ۱۳ دلاری که در ایالات متحد به کارکنان پرداخت می‌شد به جیب دست‌اندرکاران مالیه رفت.^(۵) در بریتانیا تعالیت‌های مالی به مراتب بیشتر اهمیت یافت و در ۲۰۰۶ به $\frac{۱}{۴}$ درصد تولید ناخالص داخلی رسید. در دنیا، بخش مالی برای درس‌خوان‌ها نیز جذابیت و کشش بسیار یافته است. در ۱۹۷۰، فقط ۵ درصد فارغ‌التحصیلان مرد دانشگاه هاروارد، که من در آن تدریس می‌کنم، وارد رشته‌های مالی می‌شدند. در حالی که در ۱۹۹۰ این رقم به ۱۵ درصد رسید* و در ۲۰۰۷ بالاتر رفت. به نوشته‌ی هاروارد کریمن، در سال ۲۰۰۷ بیش از ۲۰ درصد دانشجویان پسر و ۱۰ درصد دختران متقاضی استخدام در بانک‌ها بودند. حق هم دارند. در سال‌های اخیر، حقوقی که بانک‌ها به کارکنان امور مالی‌شان که از ایوی لیگ* فارغ‌التحصیل شده بودند، می‌دادند سه‌برابر پولی بود که فارغ‌التحصیلان این مؤسسه در بخش‌های دیگر اقتصاد درمی‌آوردند.

در ۲۰۰۷ که سال آخری‌ها فارغ‌التحصیل شدند، تردیدی نبود که هیچ چیز قادر به ممانعت از صعود بی‌وقفه‌ی مالیه‌ی جهانی نیست. در لندن و نیویورک حمله‌ی تروریستی صورت نگرفت. در خاورمیانه جنگ خونینی درنگرفت. با وجود انهدام مرکز تجارت جهانی، تهاجمات به افغانستان و عراق، و شدت رخدادهای نامنتظره‌ی آب و هوایی جهان، دوره‌ی ۲۰۰۱ تا

1. shadow banking system

* ذکر این نکته ضروری است که شمار فارغ‌التحصیلان زن در این رشته‌ها از $\frac{۲}{۳}$ درصد به $\frac{۳}{۴}$ درصد رسیده است.

2. Ivy League

نیمه‌ی ۲۰۰۷، دوره‌ی گسترش مدام فعالیت‌های مالی به شمار می‌آمد. در واقع امر، پس از حادثه‌ی یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱، متوسط شاخص صنعتی (داو) جونز^۱ در حدود ۱۴ درصد تنزل کرد و دوماه طول کشید تا به سطح پیشین رسید. به علاوه، با اینکه سال ۲۰۰۲ از نظر سرمایه‌گذاران دارایی در ایالات متحد، سال نومیدکننده‌ای بود، پس از آن بازار خیز برداشت و در پاییز ۲۰۰۷ به اوج پیشین جنون خریداری سهام شرکت‌های فناوری (با دات کام) (dot.com mania) رسید. در اوایل اکتبر ۲۰۰۷، داو تقریباً به دو برابر سطح پنج سال گذشته‌اش رسید. بازار سهام ایالات متحد نیز از این امر مستثنا بود. در پنج سال پیش از ۳۱ ژوئیه‌ی ۲۰۰۷، در همه‌ی بازارهای سهام جهان جز در نام سود سالانه دو رقمی شد. بازارهای اوراق قرضه‌ی نوظهور نیز به شدت رشد کردند و بازارهای املاک و مستغلات به خصوص در دنیای انگلیسی‌زبان، شاهد افزایش چشمگیر سرمایه بودند. سرمایه‌گذاران پولشان را چه در تجارت اسباب و اثاثه به کار انداختند، چه در آثار هنری، پرورش انگور برای شراب‌سازی، یا اوراق بهادار با پشتوانه‌ی دارایی که معمول نبود، پول درآوردند.

برای این اتفاقات عجیب چه توضیحی وجود دارد؟ عده‌ای اعتقاد دارند که، آخرین نوآوری‌ها در عرصه‌ی فعالیت‌های مالی، کارایی بازار سرمایه‌ی جهانی را از پایه و اساس ارتقا بخشیده و به کسانی که بیشتر از بقیه توانایی تحمل عواقب ریسک را دارند، امکان عمل داده است. شیفته‌گان این طرز فکر، پایان نوسان را اعلام کردند. بانک‌داران خودبین و گنده‌ماغ، کنفرانس‌هایی با عناوینی همچون، «تکامل اصلح» برگزار کردند. من در نوامبر ۲۰۰۶ در یکی از این کنفرانس‌ها که در باهاما در منطقه‌ی اعیان‌نشین لیفوردکی^۲ برگزار شد شرکت داشتم. موضوع صحبت من این بود که نباید

۱. (Index) یا Dow Jones Industrial Average، متوسط سهام ۳۰ شرکت بزرگ تولیدی و تجاری در نیویورک که شرکتی به همین نام، هرروز با هدف نشان دادن وضع معاملات سهام در بورس نیویورک اعلام می‌کند. م

2. Lyford Cay

عواملی را که موجب ایجاد اختلال اساسی در روان بودن بازار می‌شوند و بعد در بازار مالی جهانی نفوذ می‌کنند دست‌کم بگیریم و در نتیجه بی‌محایا توقع داشته باشیم که اوضاع تا ابد به همین خوبی دوام بیاورد. حاضران علناً به هشدارهای من بی‌اعتنایی نشان دادند و مرا از جمع راندند. یکی از سرمایه‌گذاران باتجربه تا جایی پیش رفت که به برگزارکنندگان کنفرانس پیشنهاد کرد، سال دیگر به جای دعوت از سخنران‌های غریبه، فیلم مری پاپینز^۱ را نشان بدهند. با شنیدن نام مری پاپینز خاطره‌ای در ذهنم زنده شد. دوست داران جولی آندروز^۲ احتمالاً به خاطر دارند که طرح و مضمون این داستان که به یک فیلم موزیکال کهنه‌نشده بدل شده، پیرامون واقعه‌ای مالی دور می‌زند که در دهه‌ی ۱۹۶۰ که فیلم ساخته شد هنوز جالب توجه بود: هجوم به بانک^۳ - یعنی، ریختن مشتریان به بانک برای بیرون کشیدن پول‌هایشان - که از سال ۱۸۶۶ در لندن دیده نشده بود.

نام خانواده‌ای که مری پاپینز را [برای پرستاری فرزندانش - م] استخدام می‌کند، بنکز^۴ است، که تصادفی نیست. آقای بنکز در واقع کارمند ارشد بانک برادران داوز است، تومز ماوسلی، گرابز، و فیدلیتی فیدیوسیری. روزی فرزندان آقای بنکز به اصرار او همراه پرستارشان به بازدید محل کارش می‌روند و در آنجا، آقای داوز بزرگ صلاح می‌بیند که مایکل، پسر آقای بنکز، دو پنی پول توجیبی‌اش را در بانک بگذارد. ماسفانه مایکل جوان ترجیح می‌دهد که پولش را صرف دانه دادن به کبوترهای محوطه‌ی بیرون بانک کند و با فریاد به او که پولش را به زور گرفته، می‌گوید «پس‌اش بده! پول منو پس بده!» و با تأسف بیشتر، چندتا از مشتری‌های بانک صدای مایکل را می‌شنوند و در نتیجه پول‌های خود را از بانک بیرون می‌کشند. در عرض چند دقیقه، سیل صاحبان حساب‌های پس‌انداز به طرف بانک جاری

1. Mary Poppins

۲. بازیگر نقش مری پاپینز. م

3. bank run

4. Banks

می‌شود و بانک ناچار می‌شود پرداخت‌ها را معلق بگذارد. آقای بنکر فی‌الغور از کار بیکار می‌شود و به طرز غم‌انگیزی به ناله و زاری می‌افتد که «در عنوان جوانی به خاک سیاه نشسته‌ام». امکان داشت این کلمات بحق از دهان آدیم اپلگرت^۱، مدیرعامل سابق نورثرن راک^۲، بانک انگلیسی که در سپتامبر ۲۰۰۷ به سرنوشتی مشابه دچار شد و مشتریان یکی از روزهای آن ماه بیرون شعبه‌های بانک جمع شدند تا پول‌های خود را بیرون بکشند، بیرون می‌آمد. در پی این ماجرا اعلام شد که نورثرن راک از بانک انگلستان درخواست «تسهیلات بانکی حمایت از نقدینگی»^۳ کرده است.

بحران مالی که در سال ۲۰۰۷ جهان غرب را فراگرفت، یادآور یکی از واقعیت‌های فراموش‌نشده تاریخ مالی بود. هر حبابی دیر یا زود می‌ترکد. فروشندگان خشن بر خریداران کله‌شق تفوق می‌یابند. حرص و آز دیر یا زود به ترس تبدیل می‌شود. در اوایل سال ۲۰۰۸، هنگام تکمیل تحقیقاتم برای تألیف این کتاب، امکان ابتلای اقتصاد ایالات متحد به فترت واضح بود. یک سال بعد، هنگام بازنویسی این مقدمه برای چاپ جلد شومیز، روشن شده بود که به احتمال قوی این فترت از ابتدای دهه‌ی ۱۹۸۰ در هیئت یک رکود ممتد در حال تکوین بوده است. آیا علت، طراحی نامناسب شرکت‌های آمریکایی برای محصولات جدیدشان بود؟ نوآوری در تکنولوژی یک‌باره کند شده بود؟ نه. علت بی‌واسطه‌ی رکود اقتصادی سال ۲۰۰۸-۹ مالی بود: دقیق‌تر بگویم، انقباض در سیستم اعتباری که تراکم قصور در پرداخت انواع خاصی از وام‌ها، که با تعبیر مثبت وام رهنی دست دوم^۴ نامیده می‌شود، آن را تسریع کرد. نظام مالی جهان ما چنان بغرنج شده بود که خانواده‌های به نسبت فقیر در ایالات مختلف آمریکا از آلاباما گرفته تا ویسکانسین قادر شده بودند با دریافت وام‌های پیچیده (که غالباً از آن سر در نمی‌آوردند)، خانه بخرند یا تجدید وام کنند، وام‌هایی که پس از یک‌کاسه شدن با وام‌های مشابه، مجدداً

1. Adam Applegarth

2. Northern Rock

3. liquidity support facility

4. subprime mortgage

به عنوان تعهدات بدهی وثیقه‌ای، بسته‌بندی شد و از جمله توسط بانک‌های لندن و نیویورک به بانک‌های محلی آلمانی و مقامات شهری نروژ فروخته شد و آنها را به رهن دهندگان اصلی تبدیل کرد. این تعهدات چنان برش برش و قطعه قطعه شده بودند که می‌شد ادعا کرد یک لایه از بهره‌هایی که از وام‌گیرندگان اولیه دریافت شده بود، به اندازه‌ی درآمد ناشی از اوراق قرضه‌ی ده ساله‌ی وزارت خزانه‌داری ایالات متحد آمریکا قابل اتکا است و بنابراین بالاترین رتبه‌ی اعتباری یعنی AAA را دارد. این، کیمیاگری مالی را به سطح فریبندگی نوینی رساند و به وضوح مس را به طلا تبدیل کرد.

با این حال، پس از آنکه نرخ بهره‌ی رهن‌های اولیه دوره‌های یکی دو ساله‌ی «فریبندگی» را سری کرد و در بالاترین رتبه تثبیت شد، وام‌گیرندگان تعهدات پرداختی‌شان را به موقع ایفا نکردند. این امر به نوبه‌ی خود نشان داد که حباب معاملات املاک در ایالات متحد در حال ترکیدن است و بالاترین درجه‌ی سقوط قیمت خانه از دهه‌ی ۱۹۳۰ را در پی آورد. رخداد بعدی شباهت زیاد به یک رشته واکنش گند اما در نهایت ویرانگر داشت. ارزش انواع اوراق بهادار با پشتوانه‌ی دارایی، از جمله بسیاری از اسنادی که در واقع با وام‌های رهنی دست دوم تضمین نشده بودند، پایین آمد. تشکیلاتی مثل مجراها و ابزارهای سرمایه‌گذاری سازمان‌یافته که بانک‌ها برای مجزا کردن حساب این اسناد در ترازنامه‌های سالانه‌شان ایجاد کرده بودند، با مشکلات جدی مواجه شدند. به محض انتقال اوراق بهادار به بانک‌ها، ناگهان نسبتِ دارایی‌ها و سرمایه‌شان بالا رفت. بانک‌های مرکزی ایالات متحد و کشورهای اروپایی برای سبک کردن فشار وارده بر بانک‌هایی که نرخ بهره‌شان افت کرده بود، به آنها پیشنهاد پرداخت وام از طریق «تسهیلات مزایده‌ای»^۱ ویژه دادند: با این حال، نرخ بهره‌ی وام‌هایی که بانک‌ها می‌توانستند دریافت کنند، چه از طریق صدور اوراق بهادار تجارتي، فروش اوراق قرضه یا وام گرفتن از یکدیگر، از نرخ بهره‌ی مورد نظر صندوق‌های

فدرال کشوری که کمترین نرخ بهره‌ی وام در اقتصاد ایالات متحد بود، خیلی بالاتر بود. وام‌هایی نیز که در اصل قرار بود با مشارکت دارایی‌های خصوصی پول خرید شرکت‌ها را تأمین کنند، در صورت پرداخت، قابل فروش بود. شمار زیادی از بانک‌های خوش‌نام و معتبر آمریکایی و اروپایی که خسارات زیادی متحمل شده بودند، ناچار شدند برای گرفتن کمک‌های کوتاه‌مدت برای بازیابی اندوخته‌هایشان نه تنها به بانک‌های مرکزی غربی، که برای تزریق دارایی برای بازسازی پایه‌ی سرمایه‌هایشان به صندوق‌های پول مستقل آسیایی و خاورمیانه‌ای روی بیاورند. اما از اوایل سال ۲۰۰۸، اشتیاق سرمایه‌گذاران خارجی برای خرید سهام بانک‌هایی که ارزش‌شان بی‌وقفه پایین می‌آمد، از بین رفت.

با نگاهی به گذشته می‌بینیم که بحران وام‌های رهنی دست دوم و تبدیل شدنش به یک بحران مالی فراگیر جهانی به طرز عجیبی طولانی شد. با اینکه از ژانویه ۲۰۰۷ قیمت ملک در آمریکا سیر نزولی داشت، قیمت سهام در بورس اوراق بهادار آمریکا تا اکتبر آن سال بالا رفت. حتی در مه ۲۰۰۸، شاخص استاندارد اند پورز ۱۵۰۰، نسبت به نقطه‌ی اوج آن در سال قبل فقط ۱۰ درصد کاهش نشان می‌داد. با وجود اعلام دفتر ملی تحقیقات اقتصادی آمریکا^۱ در مورد شروع رکود در اقتصاد این کشور از دسامبر ۲۰۰۷، مصرف‌کنندگان آن قدر آن را ندیده گرفتند که تا فصل چهارم سال ۲۰۰۸، در مخارج خود تغییری ندادند. بعد از سپتامبر سرنوشت سال ۲۰۰۸ «فروری بزرگ» (بحران اقتصادی در آمریکا) به پایان رسید و بحران آمریکا به یک بحران کامل جهانی بدل شد و صادرات اقتصادهای آسیایی و اروپایی را چنان پایین آورد و قیمت کالاهای اساسی را چنان ناپایدار کرد که در بعضی جاها نفت بشکه‌ای بیش از ۱۳۳ دلار به فروش رسید.

۱. Standard and Pore's 500 Index، شاخص‌های اقتصادی مؤسسه‌ی اعتبارسنجی مشهوری به همین نام در آمریکا. م

از دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان مورد مصاحبه فقط به ۵۲ درصد از سوال‌های مربوط به امور مالی و اقتصادی جواب داده‌اند.^(۱۰) فقط ۱۴ درصد فهمیده بودند که سود سهام بعد از گذشت هجده سال، از سود اوراق قرضه‌ی دولتی در ایالات متحد بیشتر می‌شود. کمتر از ۲۳ درصد می‌دانستند که اگر درآمد صاحب حساب پس‌انداز زیاد باشد، مالیات بر درآمدش از سود حساب بانکی اش کسر می‌شود. ۵۹ درصد فرق بین حقوق بازنشستگی یک شرکت، تأمین اجتماعی و برنامه‌ی ۴۰۱ (K) را نمی‌دانستند.

این پدیده خاص آمریکا نیست. در سال ۲۰۰۶، مقامات خدمات مالی بریتانیایی تحقیقی در مورد اطلاعات عمومی مالی مردم انجام دادند و روشن شد که از هر پنج نفر، یک نفر نمی‌داند که نرخ تورم ۵ درصدی و نرخ بهره‌ی ۳ درصدی چه تاثیری بر قدرت خرید پس‌انداز آنها می‌گذارد. یک‌دهم آنها نمی‌دانست که برای یک ملوئیزون ۲۵۰ پوندی، تخفیف ۳۰ پوندی مقرون به صرفه است یا تخفیف ۱۰ درصد از قیمت آن. این نمونه‌ها نشان می‌دهند که سوال‌های این بررسی‌ها بسیار ابتدایی طرح شده بود و منطقی به نظر می‌آید که فرض کنیم فقط چند نفر از کسانی که نظرشان پرسیده شده بود، قادر بودند به عنوان نمونه فرق بین «اختیار فروش معامله»^۱ و «اختیار خرید معامله»^۲ را توضیح دهند، چه رسد به توضیح فرق میان تعهدات بدهی وثیقه‌ای، و معاوضه‌های اعتباری.

بی‌دلیل نیست که سیاست‌پیشگان، مدیران بانک‌های مرکزی و کاسب‌ها همیشه از بی‌اطلاعی گسترده‌ی مردم شاکی‌اند. جامعه‌ای که از بیشتر اعضای

* «برنامه‌ی ۴۰۱ (K) در سال ۱۹۸۰ به عنوان نوعی مشارکت خاص برای بازنشستگان ارائه شده است. در این طرح کارکنان می‌توانند بخشی از حقوق یا دستمزدشان را به حساب ۴۰۱ (K) واریز یا «به اقساط پرداخت کنند». سپس چند راه برای نحوه‌ی سرمایه‌گذاری به آنها پیشنهاد شد. جز در چند مورد معین، تا زمان پس گرفتن پول، مالیاتی به آن تعلق نمی‌گیرد.

خود انتظار دارد مسئولیت اداره‌ی هزینه‌ها و درآمد خود پس از کسر مالیات را برعهده بگیرند، که انتظار دارد بیشتر افراد بالغ خانه‌ی شخصی داشته باشند، و تصمیم‌گیری در مورد مقدار پس‌انداز برای دوران بازنشستگی را به خود افراد واگذار می‌کند، و اینکه آیا می‌خواهند از خدمات بیمه‌ی درمانی برخوردار باشند یا نه، مطمئناً بعداً با رها کردن آنان با اطلاعات و تجهیزات ذهنی ناقص و نارسا برای تصمیم‌گیری‌های عاقلانه در مورد اموالشان، خود را با مشکلات عدیده مواجه می‌کند. درواقع به عقیده‌ی من، بحران کنونی را به درجاتی می‌توان با بی‌اطلاعی از تاریخ مالیه، آن هم نه فقط در میان افراد عادی، مرتبط دانست و توضیح داد. «اریابان جهان» نیز بدون توجه به درس‌های گذشته ترجیح دادند به الگوهای پرطول و تفصیل ریاضی که خدایان ساختگی از آب درآمدند، عطف توجه کنند.

اولین قدم به سوی درک پیچیدگی‌های نهادهای مالی و اصطلاحات علمی و فنی مدرن، یافتن منشأ آنها است. کافی است که خاستگاه‌های یک نهاد یا ابزار را درک کنید تا بتوانید با سهولت بیشتر به نقش امروزی‌اش پی ببرید. به همین ترتیب، ماهیت اجزای بایه‌ای تشکیل‌دهنده‌ی نظام مالی مدرن به ترتیب به وجود آمدنشان روشن می‌شود. اولین فصل این کتاب به صعود پول و اعتبار می‌پردازد؛ فصل دوم به بازار اوراق قرضه؛ و فصل سوم به بورس اوراق بهادار؛ فصل چهارم داستان بیمه را تعریف می‌کند؛ فصل پنجم مربوط به بازار املاک و مستغلات است؛ و فصل ششم به صعود، سقوط و صعود مالیه‌ی بین‌الملل مربوط می‌شود. هر فصل به یک سؤال عمده‌ی تاریخی نظر دارد. پول پیش از آنکه بالکل ناپدید شود، از چه زمان از شکل فلزی به شکل کاغذی درآمد؟ آیا صحت دارد که بازار اوراق قرضه با تعیین نرخ بهره‌ی وام‌های بلندمدت حکومت جهان را به دست می‌گیرد؟ بانک‌های مرکزی در ترقی شدید و کسادِ بازار سهام چه نقشی ایفا کردند؟ چرا بیمه لزوماً بهترین راه برای حمایت از خودتان در برابر خطرات نیست؟ آیا مردم در مورد منافع سرمایه‌گذاری در معاملات املاک دچار توهم و

اغراق‌گویی‌اند؟ و آیا اتکای متقابل چین و آمریکا به یکدیگر، عامل ثبات مالی جهان است، یا اینها همه وهم و خیال است؟

بی‌تردید من برای بیان تاریخ مالی از بین‌النهرین باستان تا مالیه‌ی خُرد معاصر، وظیفه‌ای دشوار بر عهده‌ی خود گذاشته‌ام. خیلی از موضوعات می‌بایست کوتاه و ساده یا حذف می‌شدند. با این حال گمان می‌کنم که اگر توانسته باشم خواننده‌ی عادی را به درک عمق نظام مالی معاصر برسانم، تلاشم بی‌هوده نبوده است.

برای تألیف این کتاب چیزهای زیادی یاد گرفته‌ام، اما به خصوص سه دریافت مشهود است. اول اینکه فقر فرایند درنده‌خویی داراها برای نابود کردن نذارها نیست. بیشتر به فقدان نهادهای مالی مربوط می‌شود و به غیاب بانک‌ها نه به حضورشان. وام‌گیرندگان فقط زمانی که به شبکه‌های اعتباری متنفذ دسترسی داشته باشند می‌توانند از چنگ نزول‌خوارها بگریزند، و پس‌اندازکنندگان زمانی که بتوانند پولشان را به بانک‌های قابل اعتماد بسپارند، پول از عاطل و باطل ماندن به مصرف صنعت یا از غنی به فقیر می‌رسد. این نکته فقط کشورهای فقیر را در بر نمی‌گیرد. در مورد فقیرترین نواحی کشورهای مثلاً پیشرفته هم صدق می‌کند. «آفریقای درونی» — مثل مجتمع‌های مسکونی زادگاه من گلاسگو، که عده‌ای از مردم پوستشان کهنه می‌شود تا با روزی ۶ دلار، خرج همه‌چیز از خمیر دندان تا ایاب و ذهاب را بدهند، اما در همان جا نرخ بهره‌ای که نزول‌خوارهای محلی می‌گیرند ممکن است در سال از یازده میلیون هم بیشتر شود.

دومین موضوع مهمی که متوجهش شده‌ام به برابری و فقدان آن مربوط می‌شود. اگر نظام مالی عیب و نقصی دارد، برای آن است که خصوصیات ما آدمیان را منعکس و بزرگ می‌کند. در عین اینکه از یک اثر تحقیقی در حوزه‌ی رفتارهای مالی چیزهایی می‌آموزیم، پول تمایل‌مان به اغراق و مبالغه را تقویت می‌کند، و اینکه از سرزندگی، زمانی که اوضاع خوب پیش می‌رود، به افسردگی عمیق، زمانی که بد پیش می‌رود، چرخش کند. رونق‌ها

و رکودها^۱ در اصل، محصولات نوسانات عاطفی ما هستند. اما بنیه‌ی مالی در عین حال تفاوت‌های ما را هم بزرگ می‌کند، شانس و هوشمان را تقویت می‌کند و بدبختی و کندذهنی‌مان را تحلیل می‌برد. جهانی شدن مالی به این معنی است که پس از گذشت بیش از سیصد سال از واگرایی، جهان بیشتر از این به در قسمت کشورهای غنی توسعه‌یافته و فقیر توسعه‌نیافته تقسیم نمی‌شود. هرچه بازارهای مالی جهان بیشتر درآمیزند، فرصت‌های یادگیری دانش مالی برای مردم در هر جای جهان بیشتر می‌شود. همین‌طور خطر سیلان سقوط افرادی که از این دانش بی‌اطلاع‌اند. با معیارهای توزیع درآمد کل، قطعاً این جهان مسطح نیست، چون ارتباط فزاینده‌ای میان بازگشت سرمایه با بازگشت به سوی کارگر ساده و کارگر نیمه‌ماهر وجود دارد. پاداش‌های «کسب آگاهی مالی» هرگز تا این حد کلان، و عقوبت‌های ناآگاهی مالی هرگز تا این حد شدید نبوده است.

سرانجام اینکه به این نتیجه رسیده‌ام که چند چیز هست که پیش‌بینی آنها از تعیین زمان و دامنه‌ی بحران‌های مالی مشکل‌تر است، چون نظام مالی ماهیتاً بی‌اندازه پیچیده است و بسیاری از روابط داخلی آن چندبعدی و حتی بی‌نظم است. برآمدن پول هرگز هموار نبوده است و هر بحث جدید با عکس‌العمل جدید بانک‌داران و هم‌پالکی‌هاشان مواجه می‌شود. تاریخ علم مالی مثل خط افق در رشته کوه‌های آند است، یک منحنی رو به بالای صاف نیست بلکه از منحنی‌های ناهموار و نامنظم قله‌ها و دره‌ها تشکیل شده. یا اگر بخواهیم تشبیه دیگری به کار ببریم، باید بگوییم که تاریخ علم مالی شبیه به یک نمونه‌ی کلاسیک تکامل در حال وقوع است، گرچه در یک قالب زمانی به مراتب تنگ‌تر از سیر تکاملی طبیعت. همان‌طور که معاون وزارت خزانه‌داری ایالات متحد، آنتونی دلیو. رایان در سپتامبر ۲۰۰۷ در مقابل کنگره اظهار داشت، «به همان شکل که بعضی از گونه‌ها در طبیعت منقرض می‌شوند، بعضی از فنون مالی جدید هم ممکن است به اندازه‌ی بقیه توفیق نیابند.» این

زبان داروینی^۱ به طرز چشمگیری با نوشته‌ی من هماهنگ به نظر می‌رسد. آیا ما در مرحله‌ی یک «احتضار بزرگ» در جهان مالی قرار داریم - از نوع انقراض‌های انبوه گونه‌ها که متناوباً رخ می‌دهد، مثل انقراض پایان دوره‌ی پرمین^۲ که ۹۰ درصد گونه‌های روی زمین را از بین برد یا فاجعه‌ی دوره‌ی کرتاسه^۳ که دایناسورها را از روی زمین محو کرد؟ این سناریویی است که بسیاری از زیست‌شناسان بحق از آن وحشت دارند، همان‌طور که تغییر آب و هوا به دست بشر، زیست‌گاه‌های طبیعی را در سراسر جهان نابود کرده است، موت عظیم نهادهای مالی نیز سناریویی است که باید در موردش نگران باشیم، زیرا این هم مثل مصیبت‌های دیگری که ساخته‌ی بشر است، آرام آرام با ایجاد درد و رنج در نظام مالی جهان رخنه می‌کند. (هم آِلن گرینسپن رئیس سابق نظام فدرال رزرو^۴ [۱۹۸۷-۲۰۰۶ م] آمریکا، و هم هنری پائولسن، وزیر خزانه‌داری سابق که شاهد باتجربه‌ی دیگری است) از بحران حاضر به عنوان «حادثه‌ی قرن یکبار» یاد کرده‌اند. بی‌شک از دهه‌ی ۱۹۳۰، هرگز این همه نهاد مالی در معرض خطر انقراض نبوده‌اند. اما این نباید از سوی کسانی که موفق نشدند از بروز آن جلوگیری کنند توجیه تلقی شود. تاریخ به ما می‌گوید که بحران‌های واقعا عظیم رخ می‌دهند و گاهی مواقع بیش از قرن یکبار.

به همه‌ی این دلایل، شما چه در حال مبارزه برای پایان بخشیدن به این وضع باشید چه تشنه‌ی سروری بر جهان - تا امروز هیچ‌گاه پس بردن به چگونگی برآمدن پول، این همه ضرورت نداشته است. اگر این کتاب به درهم شکستن سدّی که میان علم مالی و سایر علوم سر برآورده، کمک کند، تلاش من عبث نبوده است.

۱. نظریه‌ی چارلز رابرت داروین (۱۸۰۹-۸۲)، طبیعی‌دان انگلیسی درباب تکامل. به داروینیسم نیز شهرت دارد. م

۲ و ۳. Cretaceous Tertiary, Permian، از دوره‌های زمین‌شناسی. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به دایرةالمعارف فارسی، ذیل این دو عنوان. م

3. Federal Reserve System